

## دو مفهوم بنگاه کوچک و میان مقیاس در بخش کشاورزی

نگارش: حمید رضا زرنگار

دو مفهوم "کوچک" و "میان مقیاس" برای سازمان‌های اقتصادی روستایی هم به صورت مجزا و هم به شکل مرکب، معانی خاصی دارد که در اینجا به اختصار تشریح می‌شود. بیان و تعریف این که بنگاه‌های کوچک و میان مقیاس چه هستند، مشکلی اساسی است. در فضای اقتصادی اروپا برای این امر سه معیار زیر تعریف و مشخص شده است:

- شمار نیروی کار.
- میزان دارایی‌ها که در تراز مؤسسه آمده است.
- وابستگی تشکیلاتی.

بر اساس مطالعه‌ای دیگر، واحدهای کوچک می‌تواند به صورت گسترده به دو بخش تقسیم شود: **بنگاه‌های خرد**: این نوع بنگاه‌ها با اسامی مختلفی همچون بنگاه‌های غیر رسمی، حیاتی و یا معیشتی نامیده می‌شوند. آن‌ها بسیار کوچک‌اند. اغلب یک مالک و یا یکی دو نفر اعضای خانواده یا دستیار دارند. در بسیاری از نقاط روستایی این بنگاه توسط زنان اداره شده و فعالیت می‌کنند و تمایلی برای رشد ندارند. در بیشتر موارد صاحبان و مالکان این فعالیت‌ها مخیر به انتخاب یا عدم انتخاب بین شروع یا عدم شروع کار هستند، اما به هر حال آنان پس از آغاز به کار مجبور به حفظ فعالیت‌ها برای بقای وابستگان و خانواده خود هستند.

**بنگاه‌های کوچک**: این مورد بیشتر با اصطلاح بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس که در ۲۰ سال گذشته قابل توجه نمایندگی‌های توسعه بنگاه کوچک بوده‌اند، مترادف دانسته شده‌اند. این بنگاه‌ها رسمی‌اند؛ اگر چه بسیاری از آنان کوچک و ناموفق می‌باشند، لیکن مستعد رشد هستند آن‌ها اعضای غیرخویشاوند را به شکلی منظم به استخدام در می‌آورند و بیشتر آنان به وسیله مردان پایه‌گذاری و هدایت می‌شوند. برخی از مؤسسات از درون بنگاه‌های کلان اقتصادی سر بر می‌آورند. بیشتر آنان نتیجه یک انتخاب ارادی‌اند. صاحبان آن‌ها برای ادامه حیات گزینه‌های دیگری هم دارند. اتحادیه اروپا برای تمایز میان بنگاه‌های خرد، کوچک و میان مقیاس توصیه‌هایی را مطرح می‌کند. بر اساس این توصیه‌ها، بنگاه‌های کوچک و میان مقیاس مؤسساتی هستند که بیش از ۲۵۰ نفر را در استخدام داشته و واجد شرایط زیر هستند:

- برگشت سرمایه به گونه‌ای که از رقم ۴۰ میلیون یورو در سال تجاوز نکند.
- دارایی‌های ترازنامه از رقم ۲۷ میلیون یورو تجاوز نکند.

- رعایت اصل استقلال با عدم تخصیص سرمایه و حق رأی به یک یا چند کمپانی سرمایه گذار تحقق می یابد.

- توصیه های مذکور در مقام تفکیک بین بنگاه های کوچک مقیاس و بنگاه های میان مقیاس، بنگاه های کوچک مقیاس را به عنوان بنگاه هایی با کمتر از ۵۰ نفر حقوق بگیر و با شرایط زیر تعریف می کند:
- برگشت سرمایه از ۷ میلیون یورو تجاوز نکند.
- دارایی های ترازنامه بیش از ۲۷ میلیون یورو نباشد.
- رعایت معیار استقلال براساس توصیه های مزبور بنگاه های خرد با معیار به کارگیری کمتر از ۱۰ نفر کارگر تمایز می یابند.

به این ترتیب در هر نظام اقتصادی با توجه به ابعاد سرمایه و نیروی کار می توان به طبقه بندی خاصی از انواع خرد، کوچک و میان مقیاس مبادرت ورزید. در حال حاضر این موضوع به طور گسترده پذیرفته شده که توسعه فعالیت های کوچک اقتصادی ابزار با دوامی برای خودکفایی است. حمایت و گسترش فعالیت های کوچک در کارایی و رشد عمومی اقتصادی تأثیر دارد. پژوهش های قبلی از این داعیه حمایت می کند. بر اساس نتایج یک مطالعه فعالیت های کوچک ۲۰ تا ۴۵ درصد اشتغال تمام وقت و ۳۰ تا ۵۰ درصد درآمد خانوار را در آسیا فراهم می آورد. موضوع تأثیر توسعه بنگاه های خرد به عنوان ابزاری ضد فقر به طور گسترده در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مطالعه شد. در هندوستان بیش از ۹۵ درصد مجموع واحدهای صنعتی در بخش صنایع کوچک با مجموع ۲/۷ میلیون واحد قرار دارد. در سال ۱۹۹۸ در حدود ۱۵/۳ میلیون نفر از نیروی کار شاغل در زیر بخش صنایع کوچک اشتغال داشتند. در آمریکا نتایج یک بررسی نشان می دهد که ۹۰/۶ درصد از مکان های کسب درآمد تجاری و ۶۰ درصد کارگران بخش خصوصی روستاهای آمریکا در سال ۱۹۹۵ در قالب شرکت های کوچک جای می گیرند. در این کشور فعالیت های کوچک اقتصادی نقش بسزایی در اشتغال زنان داشته است. این در حالی است که ۵۰ سال پیش سهم زنان از مجموع نیروی کار کمتر از ۲۶ درصد بود. پس از سال های دهه ۷۰ سهم زنان از فعالیت های کوچک اقتصادی از ۵ درصد به ۳۸ درصد ارتقایافت. با وجود فراهم آمدن برخی مزایا همچون سرمایه و فرصت های فعالیت در اقتصادهای باز، بعضی چالش های عمده در برابر بازیگران جدید در عرصه های این مؤسسات وجود دارد.

این چالش ها در حوزه های متفاوتی همچون ارتقای بهره وری تا استانداردهای جهانی، معرفی مفاهیم نوین مدیریت، دستیابی به استانداردهای جهانی بهره وری و کیفیت مطرح می شود. برخی از پیش نیازهای لازم برای تحقق وضعیت مطلوب می تواند در مواردی نظیر دسترسی به آخرین و مناسب ترین فناوری ها و اقتباس نظام های کیفی نظیر "ایزو" تجلی یابد. بعضی از محققان بر اساس مطالعات خود در

بنگاه‌های کوچک با فناوری بالا معتقد به نوعی تأثیرگذاری ساختارهای کوچک سازمانی در موفقیت بنگاه شده‌اند. مهمترین عوامل موفقیت این بنگاه‌ها عبارت‌اند از:

- تعداد پرسنل خیلی کم است.
- سرمایه در گردش و ارزش افزوده بالاست.
- در شکل حقوقی تنوعاتی وجود دارد.
- گروه‌های کاری کوچک همچون گروه‌های عملیاتی پایه، انجام وظیفه می‌کنند.
- یک ساختار جزمی حاکم نیست.
- حدود سازمان نامحدود است.
- وابستگی‌ها و پیوستگی‌های غیر رسمی داخلی و خارجی شدید است.
- مالکیت یا وابستگی به شرکت‌های بزرگ به ندرت در مؤسسه وجود دارد.
- راهبرد و برنامه سازمانی شایستگی‌ها و منافع کارکنان را دنبال می‌کند.
- کارگران شاغل چند مهارتی‌اند.
- گرایش بالایی به مشتریان دارد.
- تطبیق پذیری و تحرک پذیری آن بالاست.
- رشد به واسطه فزونی فعالیت‌هاست، نه به وسیله افزایش مقیاس.

به نظر می‌رسد موضوع تعداد اعضا و جمعیت زیر پوشش در برخی نظام‌های اقتصادی با موضوعاتی همچون ابعاد فعالیت، مقیاس فعالیت و سطح فناوری، درجه رسمیت و وابستگی اعضا به یکدیگر بی‌ارتباط نباشد، لیکن حتی در کشوری چون بنگلادش با سابقه‌ای بیش از ۲۰ سال در تأسیس بنگاه‌های کم سرمایه و توسعه این بنگاه‌ها تا یک چهارم استعداد بازار، هنوز مستندات اندکی در خصوص "ارتقای وضعیت اعضا" از بنگاه خرد به وضعیتی "رسمی" دیده می‌شود. در هندوستان نیز با وجود کمک برنامه‌های دولتی به بنگاه‌های خرد، در موارد معدودی دیده شده که این بنگاه‌ها خواهان استخدام تعداد زیادی از افراد باشند. در مطالعه دیگری مزایایی که از طریق صنایع کوچک مقیاس قابل حصول است بدین گونه جمع بندی می‌شود:

- به سرمایه‌های هنگفت نیازی ندارند. سرمایه‌ای نسبتاً کوچک می‌توانند تسهیلات اشتغال را ایجاد نمایند.
- این بنگاه‌ها خودشان را به شکل انعطاف‌پذیری در برابر شرایط متغیر دوره‌های رکود و بحران‌های اقتصادی اصلاح می‌کنند.
- برای صنایع نسبتاً بزرگ برنامه‌هایی تکمیلی دارند.

● تأسیس صنایع کوچک مقیاس در نواحی روستایی نابرابری ، فقر و عدم اشتغال را تقلیل می دهد. در همان حال تأسیس این صنایع روشی کارا برای اجتناب از مهاجرت روستاییان به مراکز شهری است. این امر از طریق ایجاد فرصت های جدید اشتغال برای ساکنان روستا حاصل می گردد.